

درس چهارم داستان من و شما

بند اول: «فروود: پستی/فراز: بلندی/ مقصود: هدف-خواستہ/عظمت: بزرگی/ دلنشین: پسندیده و خوشایند

آوا: آواز، بانگ، صوت» اعتبار: آبرو، ارزش،/ عظمت: بزرگی/

بند دوم: شکوه: عظمت/ شوکت: بزرگی شکوه/ رویداد: اتفاقات

پیمان محبت بسته ایم و به هم پیوسته ایم: در بین ما مهر و دوستی برقرار است و با هم متحد و یکپارچه

هستیم—دلآوری: شجاعت/پهلوانی: شجاعت و قهرمانی

شاهد: آنکه هنگام روی دادن امری حضور دارد

کلمات هم معنی «پابرجا و استوار» «شکوه و شوکت» «دلآوری و پهلوانی»

بند سوم: بی گمان: قطعا

بند چهارم: کلمات هم معنی آوا و صدا معرفی: شناساندن

بند پنجم: کلمات مخالف: گفتن و نوشتن

بند ششم: سلیقه: ذوق شخصی در انتخاب کردن چیزی یا مسله ای/ فعلاً: در حال حاضر

چندگانگی: چند شکل بودن/

بندهفتم: من پیوسته بر زبان شما جاری هستم: من همیشه در دوره های مختلف رواج داشتم و به کار

میرفتم/یکسان: مساوی، برابر، همانند

بند هشتم: پیوسته: همیشه/ نگاهبان: مراقب، همواره: همیشه

بند نهم: عامل: سبب- پیوستگی: اتحاد «کلمات هم معنی: پیوستگی و اتحاد»

کلمات هم خانواده: فخر فاخر / قصد مقصود /

دانش زبانی

اسم : کلمه ایی است که برای نامیدن شخص یا حیوانی یا یک شی بکار میرود.

اسم مفر بر افرد یا اشی دلالت می کند .گل -بچه-درخت

هر چیزی که یکی باشد در زبان فارسی مفرد گفته می شود چه جاندار چه بی جان

اسم جمع : بر بیش از انفر یا اشی دلالت می کند .گلها-بچ ها- درختان

نشانه های جمع در زبان فارسی

ها : یکی از رایج ترین نشانه های جمع در زبان فارسی، و اغلب برای جمع بستن کلمات در زبان فارسی از ها استفاده می شود. مانند: کتاب ها، آسمان ها، صورت ها

ان : یکی دیگر از نشانه های جمع فارسی، که برای جمع بستن به پایان کلمه اضافه می شود. مانند: زنان، مردان، درختان

نکته مهم : «ان» در همه کلمات نشانه جمع نیست و ممکن است مربوط به ساختار کلمه باشد. مانند: داستان، کوهان، سوهان، گیلان، باران، جوان

گاهی «ان» در پایان کلمه به معنای زمان و مکان می باشد

«مثال :» بهاران یعنی هنگام بهار» «گیلان یعنی محل سکونت مردم گیل

ات : نشانه جمع عربی است و نباید کلمات فارسی را با آن جمع ببندیم.

نکته مهم : اسم هایی که به «ه» «تم می شوند در هنگام جمع بستن «ه» حذف می شود و به جای آن «گ» می گذاریم. ستاره : ستارگان

حکایت علم و عمل برگرفته از: کتاب گلستان، سعدی (باب هشتم)

دو نفر زحمت بیهوده کشیدند و تلاش بی فایده ای کردند: اول آن کسی که مال و ثروت ذخیره کرد و از آن استفاده نکرد و دوم آن کس که علم و دانش رایاد گرفت، اما به آن عمل نکرد.

هر قدر که علم را بیشتر یاد بگیری، وقتی که به آن، عمل نکنی، نادان هستی.

عالمی که به علم خود عمل نکند نه محقق است و نه دانشمند است، بلکه مانند حیوانی است که چند کتاب را بار بار کرده اند. (فقط کتابها را حمل می کند و این علم برای او هیچ فایده ای ندارد)

انسان نادان و کم خرد، نمیداند که آن چیزی را که حمل میکند، کتاب است یا هیزم

پیام درس علم و دانش باید با تلاش و عمل همراه باشد و اگر علم و دانش بدون عمل باشد هیچ فایده ای ندارد. و به قول سعدی: عالم بی عمل مثل زنبور بی عسل است؛ یعنی ارزش و اعتباری ندارد؛ بنابراین دانشمند واقعی کسی است که به علم و دانش خود عمل می کند.